

بررسی مفاهیم انتقادی تعلیمی در شعر مذهبی ادبیات معاصر (مورد مطالعه: اشعار منقبتی در وصف ائمه معصومین علیهم السلام)

عادل ملکی

دانش آموخته دکتری زبان و ادبیات فارسی

آذر ۱۴۰۱، دوره ۱۵، شماره پیاپی ۷۹، صفحات ۶۷-۸۳

DOI: ۱۰.۲۲۰۳۴/bahareadab.۲۰۲۲.۱۵.۶۵۸۱

نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی

(بهار ادب)

چکیده:

زمینه و هدف: از ویژگیهای شعر مذهبی در ادبیات معاصر آمیختگی با مفاهیم انتقادی تعلیمی، همسو با تحولات سیاسی اجتماعی جامعه است. در این مقاله، اشعار منقبتی، که شاعران در وصف ائمه معصومین سروده‌اند، با هدف بررسی مفاهیم انتقادی تعلیمی بررسی شده است.

روش مطالعه: روش گردآوری اطلاعات بصورت کتابخانه‌ای و فیشبرداری است و نگارش مقاله به روش توصیفی تحلیلی خواهد بود. جامعه آماری تحقیق، اشعار شاعران برجسته معاصر از دوره مشروطه تا بعد از انقلاب اسلامی است که بخشی از مضامین شعری آنها، منقبت‌سرایی برای ائمه معصومین است.

یافته‌ها: شاعران از شعر مذهبی با موضوع وصف ائمه اطهار بعنوان بستری مناسب برای بازگویی مفاهیم انتقادی تعلیمی استفاده کرده‌اند و درصدد انتقاد برای اصلاح جامعه، تعلیم و اخلاق‌گرایی مخاطب برآمده‌اند. انتقاد از نابسامانی جامعه و توصیه به اصلاح امور با تکیه بر آموزه‌های دینی، انتقاد از بی‌ارزش شدن دین در جامعه، عرفان‌گرایی، توصیه به مقاومت و پایداری در برابر استبداد و استعمار، ارادت به ائمه، مددخواهی از ائمه برای گشایش مشکلات شخصی، حل مشکلات جامعه و آزادی قدس، فلسطین و بیداری جهان اسلام از دغدغه‌های فکری شاعران در منقبت‌سرایی است.

نتیجه‌گیری: شاعران معاصر به شعر منقبتی، تنها بعنوان منقبت و مرثیه ائمه معصومین ننگریسته‌اند، بلکه بعنوان بستر فرهنگی برای انتقاد از اخلاق مردم، بیتدبیری حاکمان، اصلاح امور مملکت، پایداری و مقاومت در برابر استبداد و استعمار، دعوت به مبارزه، امیدواری به گشایش امور و جهان اسلام استفاده کرده‌اند.

تاریخ دریافت: ۰۴ مهر ۱۴۰۰

تاریخ داوری: ۰۷ آبان ۱۴۰۰

تاریخ اصلاح: ۱۸ آبان ۱۴۰۰

تاریخ پذیرش: ۰۶ دی ۱۴۰۰

کلمات کلیدی:

منقبت، ائمه معصومین، شعر معاصر، انتقاد، تعلیم.

* نویسنده مسئول:

adelmaleki9@gmail.com

(+۹۸)



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

An inquiry of critical-instructive tenors in contemporary religious (Case study: poems in the Virtues of the Infallible Imams)

A. Maleki

PhD Graduate in Persian Language and Literature.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: ۲۶ September ۲۰۲۱

Reviewed: ۲۹ October ۲۰۲۱

Revised: ۰۹ November ۲۰۲۱

Accepted:

KEYWORDS

Eulogy, Infallible Imams, contemporary poems, criticism, instruction.

*Corresponding Author

✉ adelmaleki9@gmail.com

☎ (+۹۸)

ABSTRACT

BACKGROUND AND OBJECTIVES: One of the characteristics of religious poetry in contemporary literature is containing critical-instructive tenors conforming to the political and social evolutions, viewed from Constitutionalism era up to the Islamic Revolution in Iran in this article, Manqabati poems written by poets describing the Imams of the Infallibles have been studied with the aim of examining critical educational concepts.

METHODOLOGY: The method for data collection was using library and index cards and data analysis was descriptive and analytic. The content of analysis was selected from the eulogies of the poets from Constitutionalism era up to the Islamic Revolution in Iran.

FINDINGS: Findings of the study revealed that the poets used the religious poems as a basis for demonstrating critical-instructive concepts in order to reform the society and instruct and moralize the readers and audiences. Criticizing the disorders of society, recommending the correction of the affairs relying on the religious instructions, criticizing the demeaning of religion in the society, Gnosticism, recommending the resistance and being faithful against absolutism and colonialism, devotion to Imams, seeking help from Imams to solve personal and social problems, freedom to Qods and Palestine, and awakening the Islamic World are the concerns of panegyric poets.

CONCLUSION: Contemporary panegyric poets do not see eulogies as just praising and lamentation of Innocent Imams. They made this type of poem for criticizing people's morals, the rulers' imprudence, correcting the affairs of nation, resistance and being faithful against absolutism and colonialism, inviting to campaign and hopefulness of relief of problems.

DOI: [۱۰,۲۲۰۳۴/bahareadab.۲۰۲۲,۱۵,۷۰۸۱](https://doi.org/10.22034/bahareadab.2022.15.7081)

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 ۱۷	 ۰	 ۰

مقدمه

منقبت‌گویی، مدح بزرگان دین و در کل، شعر مذهبی در ادبیات فارسی، تاریخی به بلندای خود ادبیات دارد که از قبل از اسلام تا به اکنون دیده می‌شود؛ چنانکه در هر دوره ادبی، بخشی از سبک فکری شاعران مربوط به این نوع ادبی است. «مضامین دینی و تأثیر آن در ادبیات پارسی را میتوان دارای سابقه‌ای به قدمت شعر پارسی دانست» (محمدی، ۱۳۹۱: ۱۰۹). از نکات قابل تأمل، تأثیر تحولات سیاسی اجتماعی بر روی این اشعار است؛ این تحول در ادبیات معاصر، محسوس است و در فراسوی تاریخی شعر دینی در این دوران، آنگونه که دیوان شاعران و تحولات اجتماعی فرهنگی شعر نشان می‌دهد، با انقلاب مشروطه، جامعه با گرایش به مدرنیسم دچار تحولات اصلی در ساختار اجتماعی فرهنگی شد که در نگرش به دین نیز تأثیر گذاشت. برخی روشنفکران و غرب‌دیدگان انتقادهای متعدد به دین و دینداری کردند و گاهی آن را عقب‌ماندگی دانستند؛ اما این نگرشها هرگز نتوانست دین را از اندیشه مردم کنار بزند و شاعران متعهد مشروطه با نقد خرافات و توصیه به تفکر دینی در مدح و منقبت یا مرثیه ائمه معصومین، شعر سرودند. بعد از مشروطه در جریان شعر نو، شعر دینی با توجه کمتری ادامه یافت اما همچنان باورهای دینی و اشعار منقبتی دیده می‌شود. در دهه چهل با شکل‌گیری جریان شعر مقاومت، شعر دینی در جهت مقاومت و پایداری، گسترش یافت و در شعر انقلابی با اهداف انقلاب اسلامی و دفاع مقدس همسو گشت و هم‌اکنون نیز در حال ادامه است. نکته قابل بیان این است که در منقبت‌گویی شاعران از ائمه معصومین، علاوه بر مدح و مرثیه، اهداف دیگری دیده می‌شود و شاعران آن را دستاویزی برای بیان اندیشه‌های انتقادی اخلاقی قرار داده‌اند و در واقع نوعی ادب تعلیمی را میتوان از این اشعار استخراج کرد. «منظور از ادبیات تعلیمی، ادبیاتی است که نیکبختی انسان را در بهبود منش اخلاقی او میداند و هم خود را متوجه پرورش قوای روحی و تعلیم اخلاقی انسان میکند» (مشراف، ۱۳۸۹: ۹)؛ بنابراین شعر مذهبی دوره معاصر، بهترین بستر فرهنگی را برای انتقال آموزه‌های اخلاقی دارد و شاعران از این نکته غافل نشده‌اند. «حضور این معانی و مفاهیم نه تنها به سروده‌های آیینی جلوه‌ای خاص بخشیده بلکه این سروده‌ها را بصورت پشتوانه‌ای ارزشی برای شعر تعلیمی درآورده است» (نوریان و خردمندپور، ۱۳۹۳).

در این مقاله با نگاهی به اشعار دینی در ادبیات معاصر با محوریت موضوعی منقبت ائمه معصومین، سعی شده است نمونه‌هایی از اشعار شاعران برجسته دوره‌های مشروطه، پهلوی و انقلاب اسلامی در ارتباط با اندیشه‌های انتقادی اخلاقی بررسی شود. جامعه آماری تحقیق، شامل اشعار شاعرانی است که جزو شاعران آیینی نیستند و فقط بخشی از اشعار آنها به موضوع دینی اختصاص دارد. وجود این اشعار نشان می‌دهد در هر سه دوره، تفکر مذهبی در شعر شاعران متعهد وجود دارد و از نظر بسامد سبکی، شاعران بعد از انقلاب اسلامی در این مضمون فعال هستند. شعر این شاعران صرفاً اختصاص به مضامین دینی ندارد؛ بلکه در کنار مضامین گوناگون شعری خود، اشعار منقبتی سرودند و همسو با تحولات جامعه، اندیشه انتقادی تعلیمی را در آن وارد کرده‌اند.

سابقه پژوهش

پیشینه پرباری در ارتباط با بررسی شعر دینی در ادبیات معاصر وجود دارد. ساختار شعر آیینی، باورهای مذهبی، جلوه‌های دین و مدح ائمه در دیوان شاعران تقریباً بررسی شده است. در کتابهای جریان‌شناسی شعر معاصر نیز اشاراتی به مسئله دین و اشعار دینی شاعران شده است اما ارتباط مناقب‌گوییها با ادب تعلیمی و انتقادی بررسی نشده است. پیشینه‌های مرتبط با موضوع حاضر در موارد ذیل قابل بیان است.

علوی‌نیا (۱۳۸۹) پایان‌نامه «اندیشه دینی در شعر نو فارسی» را در دانشگاه زنجان دفاع کرده است. در این پایان‌نامه با تأکید بر دوره پهلوی دوم، صرفاً اندیشه‌های دینی در جریان شعر نو بررسی شده است. شاهچراغی (۱۳۹۷) پایان‌نامه «بررسی شعر دینی در اشعار شاعران دوران انقلاب اسلامی» را در دانشگاه آزاد اسلامی واحد تایباد دفاع کرده است. در این پایان‌نامه فقط به موضوع شعر دینی در شاعران دوره انقلاب پرداخته شده است. اکرمی و خاکپور (۱۳۹۰) مقاله «نقد و بررسی شعر نو آیینی پیش از انقلاب اسلامی» را در مجله گوه‌رگویا چاپ کرده‌اند. نویسندگان معتقدند شعر آیینی قبل از انقلاب در دهه چهل رشد کرده و تحت تأثیر قیام پانزده خرداد بوده است و صرفاً اشعار چند شاعر دینی را آورده‌اند. مدرس‌زاده و محب (۱۳۹۱) مقاله «بازتاب باورهای دینی در شعر شاعران دوره پهلوی دوم» را در مجله تحقیقات تمثیلی در زبان و ادب فارسی چاپ نموده‌اند و صرفاً اندیشه‌های دینی را در شعر چند شاعر بررسی کرده‌اند. در ارتباط با منقبت ائمه معصومین و ادب تعلیمی، طایفی (۱۳۸۹) در مقاله «نمودهای مذهبی در شعر عهد قاجار» موضوع دین و مدح ائمه را در دیوان شاعران دوره قاجار بررسی کرده است. نویسنده بصورت گذرا اشاره نموده در این دوران، اشعار دینی نه تنها یک مفهوم و محتوا بلکه یک ابزار و روش تربیتی است. این مقاله البته به قبل از مشروطه مربوط است و شعر شاعران این مقاله در آن بررسی نشده است و نویسنده نتوانسته تحلیلی مشخص و هدفدار از اهداف تعلیمی شعر دینی این دوره ارائه دهد و فقط در حد معرفی چند شعر مانده است. کوشش و همکاران (۱۳۹۶) مقاله «بررسی دگرگونی ادب تعلیمی در جریانهای شعر معاصر در ارتباط با تحولات اجتماعی» را در پژوهشنامه ادبیات تعلیمی چاپ کرده‌اند. نویسندگان تحولات ادب تعلیمی را در ارتباط با تحولات اجتماعی جامعه بررسی نموده‌اند و اشعار مذهبی مورد توجه آنها نبوده است. نوریان و خردمندپور (۱۳۹۳) مقاله «مضامین تعلیمی در شعر آیینی» را در همین مجله چاپ کرده‌اند. نویسندگان، مضامین اخلاقی تعلیمی را در شعر آیینی بررسی نموده‌اند اما به اشعار معاصر جز چند نمونه نپرداخته‌اند و شعر آیینی را بطور کلی شامل تمامی آیینهای ملی و مذهبی معرفی کرده‌اند که مدح ائمه معصومین بخشی از آن است. کریمیان و همکاران (۱۳۹۸) مقاله «تحلیل ادبیات تعلیمی در انواع ادبی دیگر قرن چهاردهم (نظم)» را در همین مجله چاپ نموده‌اند. نویسندگان بخشی با عنوان ادبیات تعلیمی آیینی آورده‌اند و چند نمونه از شعر شاعران را، که توصیه مذهبی در شعر آیینی دارند، تفسیر کرده‌اند.

در این پیشینه‌ها بصورت مشخص و مجزا اندیشه‌های انتقادی اخلاقی تعلیمی در مناقب‌گوییها بررسی نشده است و ضرورت مطالعه حاضر را ایجاد میکند که با هدف بررسی انگیزه شاعران در منقبت‌های ائمه معصومین در ارتباط با تفکر انتقادی تعلیمی، اشعار شاعران برجسته تحلیل شود.

بحث و بررسی

دعوت به پایداری و مقاومت

با انقلاب مشروطه، پایداری در مفهوم مقاومت و ایستادگی در برابر دشمن داخلی و خارجی به یکی از مضامین اصلی شعر تبدیل شد. وطن‌پرستی شاعران باعث شد اشعار انتقادی و تعلیمی در انتقاد از استعمار و استبداد و توصیه به نگاهداشت وطن از اجنبی و اصلاح مملکت بسرائند. دیوان شاعران متعهد این جریان، سرشار از چنین مضامینی است. شعر دینی نیز در این دوره با همه انتقاداتی که از سوی برخی به آن شد، بستری فرهنگی برای انتقاد از اوضاع جامعه و توصیه به وطن‌پرستی و اصلاح امور قرار گرفت. شاعرانی از جمله محمدتقی بهار، فرخی یزدی و ادیب‌الممالک فراهانی، با آگاهی دادن به اینکه دینداری راه نجات کشور است، اشعار متعدد سرودند. برای

نمونه، ملک‌الشعرای بهار در قصیده «اندرز به شاه» با انتقاد از نالایقی شاه وقت در اصلاح امور مملکت، پیروی از قرآن را راه نجات و آزادی ملت معرفی میکند و در آن به مسئولان مملکت توصیه میکند در اجرای آموزه‌های آن تلاش کنند.

آنکه مر این دین را بنیان نهاد	قاعده کار به قرآن نهاد
معنی قرآن ز میان برده‌اید	جان پیمبر را آزرده‌اید
عیسویان کاین همه جولان کنند	از پی گمنامی قرآن کنند
تا که بود ما را قرآن به دست	باشدمان رشته ایمان به دست
چون که بود قرآن، ایمان بود	این رود البته اگر آن رود
جهد نمایند در اجرای آن	توسعه بخشید به فتوای آن
فتوی قرآن چو شود آشکار	خصم شود روسیه و شرمسار
مایه آزادی دوران ما	جمله نهفته است به قرآن ما
تا نرود از گفتان این گهر	متفقانه بفرازید سر

(دیوان بهار: ص ۷۹۵)

یا فرخی یزدی در مربع ترکیب‌بند «ایران - اسلام» با اظهار ناراحتی درمورد ازدست رفتن وطن، به ایرانیان اسلام - پرست، توصیه میکند به فکر حفظ مسلمانی و وطن خود باشند و با هم متحد شوند و برای حفظ قرآن، بر اجنبی بتازند یا شهید شوند و یا موفق شده بیگانه را بیرون کنند.

ای وطن‌پرور ایرانی اسلام‌پرست	همتی زان که وطن رفت چو اسلام ز دست
بیرق ایران از خصم جفاچو شده پست	دل پیغمبر را ظلم ستمکاران خست
خلفا را دل غرقه به خون است ز کفر	حال حیدر نتوان گفت که چون است ز کفر
گاه آن است که زین ولوله و جوش‌و‌خروش	که به پا گشته ز هر خائن اسلام‌فروش
غیرت توده اسلام درآید در جوش	همگی متحد و متفق و دوش‌به‌دوش
حفظ قرآن را بر دفع اجانب تازند	یا موفق شده یا جان گرامی بازند

(دیوان فرخی یزدی: ص ۱۹۱-۱۹۲)

اما از اولین اشعار پایداری با موضوع منقبت ائمه معصومین، میتوان از دیوان وحید دستگردی نام برد. دستگردی در یک مسمط ترجیع‌بند با تکرار مصراع ترجیعی «هو، حق، مولا مدد، نابود کن دیو و دد» از امام علی (ع) طلب کمک دارد. در واقع شاعر با مددخواهی از امام علی (ع)، از مردم درخواست میکند که در مقابل اجنبی بایستند و آنها را توصیه به پایداری میکند. در بندی از آن آورده است:

اگر مسلمانیا موافقت پیشه کن	نفاق شرکست و کفر ز کفر اندیشه کن
خار مغیلان کفر ریشه‌کن از تیشه کن	حمله به روباه خصم چو شیر از بیشه کن
ز عشق فرهادوار تیشه اندیشه کن	که بیستون ستم بازویت از بن کند

هو حق، مولا مدد، نابود کن دیو و دد
(دستگردی، ۱۳۰۷: ص ۷)

بعد از مشروطه مفهوم پایداری و مقاومت در جریان شعر نو در مقابل استبداد و استعمار ادامه یافت اما در این اشعار، صبغهٔ دینی وجود نداشت. در جریان سنت‌گرایان نیز صبغهٔ تعلیمی در حوزهٔ پایداری کمرنگ بود تا اینکه در دههٔ چهل با شکل‌گیری جریان شعر مقاومت، مفهوم پایداری شکلی صریح به خود گرفت و اسوه‌های مذهبی بعنوان الگوی پایداری و مبارزه قرار گرفتند و با پیوستن این جریان به شعر انقلاب، مقاومت در برابر استبداد داخلی با تأسی از اشعار دینی رواج یافت. طاهره صفارزاده از شاعران برجستهٔ این دوران است که با گرایش به شعر دینی، اشعار پایداری برای انقلاب اسلامی سرود. برای نمونه در همین موضوع، شعر «انتظار» را در منقبت امام زمان (عج) سروده است. در این شعر، از حضرت می‌خواهد ظهور کند و کوفه را همین تهران میدانند و می‌خواهد امام در تهران ظهور کند و جور و ظلم را تمام کند.

«همیشه هستی / و میدرخشی از بدر / و میرسی از کعبه / و کوفه همین تهران است / که بار اول می‌آیی / و ذوالفقار را باز میکنی / و ظلم را میندیی / همیشه منتظرت هستم / ای عدل وعده داده شده / این کوچه / این خیابان / این تاریخ / خطی از انتظار تو را دارد / و خسته است / تو ناظری / تو میدانی / ظهور کن / ظهور کن که منتظرت هستم / ظهور کن که منتظرت هستم» (صفارزاده، ۱۳۹۱: صص ۳۳۷ - ۳۳۸).

برجسته‌ترین تفکر پایداری در شعر دینی، در ادبیات انقلاب اسلامی و دفاع مقدس دیده میشود و از مضامین دینی، واقعهٔ عاشورا، الهام‌بخش شاعران میباشد؛ چنانکه باید گفت قیام امام حسین (ع) و واقعهٔ عاشورا، مدخلی برای پایداری در ادبیات فارسی بویژه در ادبیات انقلاب اسلامی و دفاع مقدس شده است. «بجای آنکه تاریخ عاشورا تنها اندرز گذشتگان و تسکین حال معاصران باشد، به فلسفهٔ پویای قیام در ادوار متوالی تاریخ تبدیل شد» (کاکایی، ۱۳۸۰: ۱۳). شاعران مضامین پایداری را به منقبت و مرثیه‌سرایی برای امام حسین (ع) وارد کردند و آن را به انقلاب اسلامی و دفاع مقدس ارتباط دادند.

سبزواری شعر «راهی به نام عشق» را در مرثیهٔ امام حسین (ع) سروده و در آن، سفر امام به کربلا و شهادتش را وصف نموده است و در پایان شعر، قیام امام خمینی (ره) و نبرد رزمندگان را به قیام امام حسین (ع) ارتباط داده و گفته است: راه عاشقی راه حسینی است؛ این عاشقان گاهی حسینی هستند و گاهی خمینی هستند.

وینک ز بعد قرن‌ها آن ره فراز است	راه به حق پیوستگان عشقباز است
شهر شهادت را بسی خون‌جامگانند	کهنه حریفانند و مستی میتوانند
چابک‌سوارانند میدان ولا را	گردن‌گذارانند پیمان بلی را
راهی است راه عاشقی راه حسینی	وز عاشقان گاهی حسین و گه خمینی

(سبزواری، ۱۳۶۸: ۱۰۳)

قیصر امین‌پور منظومهٔ «ظهر روز دهم» را با محوریت مرثیهٔ امام حسین (ع) و تکریم فرهنگ شهادت را با ادبیات کودک و نوجوان ارتباط داده است و در این منظومه، با خیالپردازی شاعرانه، دلآوری یک قهرمان کودک را در روز عاشورا توصیف کرده است که با رشادتها و جنگاوریه‌ها به یاری امام (ع) میرود و در میدان جنگ، شهید میشود. «قیصر امین‌پور در منظومهٔ «ظهر روز دهم» تجلی عاشورا در شعر کودک را به خوبی و زیبایی خاص بتصویر میکشد. او در این منظومه نشان میدهد شعر مذهبی در اذهان کودکان امروز نیز میتواند بخوبی نقش ببندد و تأثیرگذار باشد» (علیپور، ۱۳۸۱).

قیصر امین‌پور شعر خود را با توصیف روز عاشورا آغاز کرده است: «روز عاشورا است / کربلا غوغاست / کربلا آن روز غوغا بود / عشق تنها بود / آتشسوز و عطش بر دشت میبارید» (امین‌پور، ۱۳۹۰: ۵۵۹).

و در ادامه به توصیف فضای جنگ در ظهر روز عاشورا پرداخته است که چگونه دشمنان، لشکر کشیده بودند و امام با دوستان اندکش، تنها بود: «شور محشر بود/ نوبت یک یار دیگر بود/ خطی از مرز افق تا دشت می‌آمد/ خط سرخی در میان هر دو لشکر بود/ آن طرف، انبوه دشمن/ غرق در فولاد و آهن بود/ این طرف، هفتاد سیاره/ بر مدار روشن منظومه میچرخید/ دشمنان، بسیار/ دوستان، اندک/ این طرف، کم بود و تنها بود/ این طرف، کم بود؛ اما عشق با ما بود» (همان: ۵۶۰).

صدای «هست آیا یآوری ما را؟» سخن امام حسین (ع) است که در کربلا شنیده میشود و با تکرار این صدا، کودک مبارزی از خیمه بیرون می‌آید و وارد میدان جنگ میشود.

«کودکی شور خدا در سر/ با صدایی گرم و روشن/ گفت: اینک من، یآوری دیگر» (همان: ۵۶۱).

امینپور دلاوری کودک را وصف میکند که چگونه می‌جنگد و بشهادت میرسد و داستان او تا ابد در یادها میماند. در پایان شعر بطور غیرمستقیم، کودک شهید را به شهدای دفاع مقدس مرتبط میکند و میگوید: خون او را باید امروز در میان لاله‌های سرخ جستجو کرد.

«قصه آن کودک پیروز / سالها سینه به سینه گشته تا امروز/ بوی خون او هنوز از باد می‌آید/ داستانش تا ابد در یاد میماند/ داستان کودکی تنها/ که شمشیر بلندش کربلا را شخم میزد/ خون او امروز در رگهای گل، جاری است/ خون او در نبض بیداری است/ خون او در آسمان پیداست/ خون او در سرخی رنگین کمان پیداست/ این این زمان او را در میان لاله‌های سرخ باید جست/ از میان خون پاک او در آن میدان/ باغی از گل رست» (همان: ۵۶۸ - ۵۶۹).

انتقاد از دگرگونی ارزشها در جامعه و بیدینی مردم

شعر انتقادی درمورد دینداری مردم در دوره مشروطه و بعد از انقلاب اسلامی، فراوان است و در دوره مشروطه، شاعران به خرافه‌پرستی و جهل دینی انتقاد کرده‌اند اما بعد از انقلاب اسلامی به عوض شدن زمانه، مادیگرایی، بیتوجهی به ارزشهای دینی، کمرنگ شدن تقوا، فراموش کردن رشادت شهدا و مضامین مرتبط با آن، انتقاد شده است. نمونه مشخص آن، مثنوی «آبها و مردابها» از سیدحسن حسینی است که به مادیگرایی بعد از جنگ، انتقاد کرده است. شاعر در انتقاد از بیدینی مردم گفته است: در زمانه، عدالت امام علی (ع) کنار رفته است؛ مادیات جای ارزشهای معنوی را گرفته است؛ تقوای مردمان نم کشیده است و ناجوانمردی جای مردانگی را گرفته است.

ماجرا این است کم‌کم کمیت بالا گرفت	جای ارزشهای ما را عرضه کالا گرفت
احترام یا علی در ذهن بازوها شکست	دست مردی خسته شد، پای ترازوها شکست
فرق مولای عدالت بار دیگر چاک خورد	خطبه‌های آتشین متروک ماند و خاک خورد
زیر بارانهای جاهل، سقف تقوا نم کشید	سقفهای سخت، مانند مقوا نم کشید
با کدامین سحر از دلها محبت غیب شد؟	ناجوانمردی هنر، مردانگیها عیب شد؟
خانه دلهای ما را عشق، خالی کرد و رفت	ناگهان برق محبت، اتصالی کرد و رفت!

(حسینی، ۱۳۸۶: ۱۴۸-۱۴۹)

در اشعار منقبتی، شاعران در اثنای منقبت ائمه، انتقاد کرده‌اند؛ احمد عزیزی در این موضوع شاعری برجسته است که توانسته انتقاد را با منقبت بیامیزد. برای نمونه در مثنوی «بیات نینوا»، که در منقبت امام حسین (ع) سروده

است، با تطبیق جامعه امام با عصر حاضر، از زندگی مردمان زمانه انتقاد کرده و عصر حاضر را عصر دگرگونی ارزشها و عصر خالی از ایمان، معرفی کرده است.

یا حسین، این عصر، عصر عسرت است	قرن غیبت، قرن غبن و غربت است
عصر خالی، عصر خولی، عصر خوک	عصر مسخ پاکها با کار پوک
عصر ذبح گله روحانیان	عصر قصابی به دست جانیان
عصر لبخند سیاست در فراگ	عصر تبعید پرستو از پراگ
عصر نشر شمر در چاپ جدید	عصر قاب عکس در قطع یزید
عصر تصویب نیایش گرد تن	عکس لغو روح با حکم بدن
در کجای این تنستان کثیف	میتوان سر کرد یک شب با لطیف؟
یا حسین اینجا درخت و دانه نیست	یک طنین، یک باد، یک پروانه نیست
ما شهود نور را گم کرده‌ایم	ما به تاریکی تصادم کرده‌ایم
نیست اینجا ابر، شبنم، رود، آب	نیست اینجا رد پای آفتاب
عصر پخش روح شیطان در شب است	عصر نفی نور و محو مذهب است

(عزیزی، ۱۳۸۷: ۹۲)

در پایان شعر نیز از امام کمک می‌طلبید

ما به دامان تو هجرت میکنیم	بار دیگر با تو بیعت میکنیم
هیچ تیغی بر تن تو تیز نیست	تا تو هستی فرصت چنگیز نیست
تا تو هستی ای چراغ راهها	چیست برق گله روباهها
شاهد ما باش ای خورشید پاک	ما نیمینیم دیگر در مفاک

(همان: ۹۳)

علی معلم دامغانی، مثنوی «تاوان این خون تا قیامت ماند بر ما» را در موضوع عاشورا و شهادت امام حسین (ع) سروده است. در این شعر از بیتفاوتی مردمانی که امام را یاری نکردند انتقاد کرده است و با ارتباط به زمان کنونی، افسوس می‌خورد که چرا پیرو امام نشدیم. در ابتدای شعر، بر نیزه رفتن سر امام را توصیف کرده است و در ادامه، از اینکه مردم زمانه، امام را تنها گذاشتند انتقاد میکند و آن را ننگی میداند که تاوان آن تا قیامت بر ما میماند.

بیدرد مردم ما خدا، بیدرد مردم	نامرد مردم ما خدا، نامرد مردم
از پا حسین افتاد و ما برپای بودیم	زینب اسیری رفت و ما برجای بودیم
از دست ما بر ریگ صحرا نطع کردند	دست علمدار خدا را قطع کردند
نوباوگان مصطفی را سر بریدند	مرغان بستان خدا را سر بریدند
در برگریز باغ زهرا برگ کردیم	زنجیر خاییدیم و صبر مرگ کردیم
چون بیوگان ننگ سلامت ماند بر ما	تاوان این خون تا قیامت ماند بر ما
روزی که در جام شفق مل کرد خورشید	بر خشک‌چوب نیزه‌ها گل کرد خورشید

(معلم دامغانی، ۱۳۸۷: ۷۹-۸۰)

موسوی گرم‌رودی در مثنوی «تو باز آ»، که در وصف امام زمان (عج) و انتظار ظهور حضرت سروده است؛ با توصیف جامعه نابسامان، از امام زمان تقاضای ظهور کرده است.

سیه‌تر از شبِ دیجورِ ما نیست
بجز مهرِ رخت خورشیدِ ما کیست؟
ای آفتابِ آشنایی
چنین در پشتِ ابرِ غم، چه پایی؟
بنه پا در رکابِ مهربانی
بتاز اسبِ امیدِ آسمانی
(موسوی گرمارودی، ۱۳۸۹: ۴۷۴)

در ادامه شعر، از ریا، تزویر و بیدینی که در جامعه رواج یافته، اظهار ناراحتی کرده و از امام می‌خواهد که بیاید و جامعه را سامان ببخشد. با آمدن ایشان، دیگر شب نمی‌ماند و روزهای ابری هم تمام می‌شود. جهان بدون امام، مرده است اما وقتی بیاید غم کنار می‌رود و دین حق از ریا دور می‌شود.

ریا بر گردِ دلها بسته پرچین
به ژرف چشمها بیزاری و کین
نهالِ مردمی از بیخ چیده
شرف در کنج غم، عزلت گزیده
چراغِ راستی هم بی‌فروغ است
چراغی نیست خود، این هم دروغ است
فروغ ایزدی خاموش مانده
ز خوبی، گفته‌ای در گوش مانده
دلی از غم در این دنیا جدا نیست
جهان دیربست تا مرده‌ست، باری
تو بازآ، تا دگر جان بازآید
تو بازآ، تا شبی دیگر نپاید
بکش تیغ و سرِ غم را جدا کن
بیا از دینِ حق، رنگ و ریا بر
بیا تزویر را بی‌آبرو کن
بیا وین قتل را بهر خدا کن
فروافتاده دین را، تا خدا بر
چراغی گیر و دین را جستجو کن
همان: ۴۷۴-۴۷۵)

مددخواهی از ائمه و توصیه به پیروی از آنان

در این موضوع، شاعران با منقبت ائمه از آنها مدد می‌خواهند؛ ارادت خود را به ائمه اعلام می‌کنند؛ پیروی از آنها را اعتبار خود میدانند و به مخاطب توصیه می‌کنند از پیروان آنها باشند. اغلب شاعران منقبت‌سرای معاصر نیز در این موضوع، شعر دارند. در دوره مشروطه بهار در مسمط «حسین (ع)»، که در ولادت امام حسین (ع) سروده است، گریزی به ستایش امام رضا (ع) زده است و در ارادت به امام گفته است: «به خاک حسین ز جان انتساب ماست»؛ سپس آرزو کرده است از مزار امام رضا (ع) به کربلا مشرف شود:

خوش آن دم که بگذریم ز شادی به کوی او
بریم از سر نیاز دل و جان بسوی او
کنون از مزار طوس بجوییم بوی او
که این چشمه حیات بود ز آب جوی او
(بهار، ۱۳۸۷: ۱۶۰)

در شعر نو که مضامین مذهبی کم‌رنگ شد، همچنان منقبت‌گویی دیده می‌شود. خود نیما با وجود گرایش به مضامین سیاسی اجتماعی، چندین شعر در ارادت به امام علی (ع) سروده است. حتی شاعرانی که سبک فکری آنها رمانتیسم است، گاهی شعر منقبتی سروده‌اند. برای نمونه فریدون توللی، که شاعر برجسته رمانتیسم‌سرای معاصر است، شعر «خاکبوس» را در وصف ارادت به امام رضا (ع) سروده است.

به دیده، سرمه کند خاک آستان رضا را
دلی که مرکب همت کند سمند قضا را
بزرگوار امامی که فیض رحمت عامش
به زیر چتر حمایت گرفته شاه و گدا را

مقیم کوی وصالش گره ز دل بگشاید چو برگ غنچه که ببند به خود نسیم صبا را
اگر شکسته‌دلی مومیای رحمت او جو که در خزانه او جسته‌ام کلید شفا را
(توللی، ۱۳۷۶: ۳۳۹ - ۳۴۰)

شهریار در غزل «قیام محمد» عظمت حضرت محمد (ص) و معراج و پیامبری او را وصف کرده و مخاطب را توصیه به پیروی از حضرت نموده است و میگوید: هر کسی که در زندگی اقتدا به حضرت محمد (ص) بنماید عاقبت‌بخیر خواهد شد.

گرت هوای بهشت است و حوض کوثر و طوبا بیا به سایه ممدود مستدام محمد
سریر عزت عقبا حلال امت او باد که بود راحت دنیای دون، حرام محمد
... به ذوالفقار علی دیدی استقامت اسلام کنون به قامت قائم بین قوام محمد
به کام دل نرسد شهریار در دو جهان کس مگر خدا دو جهان را کند به کام محمد
(شهریار، ۱۳۸۸: ۶۸ - ۶۹)

یا در غزل مشهور «همای رحمت» از امام علی (ع) مدد می‌خواهد و به مخاطب توصیه میکند اگر کمکی می‌خواهد، نزد او برود:

علی ای همای رحمت تو چه آیتی خدا را که به ماسوا فکندی همه سایه هما را
دل اگر خداشناسی همه در رخ علی بین به علی شناختم من به خدا قسم خدا را
به خدا که در دو عالم اثر از فنا نماند چو علی گرفته باشد سر چشمه بقا را
مگر ای سحاب رحمت تو بباری ارنه دوزخ به شرار قهر سوزد همه جان ماسوا را
برو ای گدای مسکین در خانه علی زن که نگین پادشاهی دهد از کرم گدا را
(همان: ۶۹)

احمد عزیزی در مثنوی «زبان زنجره» از امام علی (ع) یاری می‌طلبد:

با تو هستم ای ابدبان ازل شیرمرد بیشه‌های لم‌یزل
ای عقاب کوه الله الصمد از تو این گنجشک می‌خواهد مدد
ای هوای تشنگی باران ببار ای بشارت بر گنهکاران ببار
(عزیزی، ۱۳۸۷: ۴۴۸ - ۴۴۹)

در مثنوی «مادر آهوان» در منقبت امام رضا (ع) از حضرت کمک می‌طلبد و با نقد جامعه کنونی، که عصر قتل آهوان بیگناه است، از امام می‌خواهد ضامن ما نیز بشود.

میچکد از سینه‌ام خون نفس ضامن آهو به فریادم برس
ضامن آهو در این عصر سیاه عصر قتل آهوان بیگناه
عصر استخدام آدمشورها عصر مسمومیت انگورها
آه آن خورشید غربتپو تویی جان فدایت ضامن آهو تویی
... ضامن آهو تو ما را بار ده مرتعی در جلگهی بیخار ده
(همان: ۲۰۷)

در شعر «از قعر غیبت» از امام زمان (عج) مدد می‌خواهد:

قرن قربان شدن خاک رسید ای مهدی
ماه من لطف کن و از افق قهر بیا
نالۀ شیعه به افلاک رسید ای مهدی
شیعۀ خسته غریب است در این شهر بیا
(همان: ۳۰۰)

گاهی شاعران از ائمه برای بهروزی مردم، حفظ وطن و گسترش عدالت در جهان و مانند آنها مددخواهی کرده‌اند. سبزواری مثنوی «فرت و رب الکعبه» را در وصف امام علی (ع) و شهادتش سروده است. در این شعر بصورت روایت داستانی، رفتن امام به مسجد، ضربت خوردن و شهادت او را وصف کرده است و در پایان شعر از امام مددخواهی میکند فتنه‌هایی را که در کشور ایجاد شده، برطرف کند و نگهدار ایران باشد.

حال ما بین ای علی مرتضی
دردمندانیم درمانها تورااست
ای پس از سوءالقضا حسن‌القضا
شربت آرامش جانها تورااست
زین پریشانی که اندر جمع ماست
فتنه‌جویان در کمین بنشسته‌اند
محو ایران را کمر بر بسته‌اند
از روان پاک تو جویم مدد
تا نگهدارد خدا ما را ز بد
(سبزواری، ۱۳۶۸: ۷۳)

بخشی از مددخواهیها از ائمه، برای گسترش عدالت و نابودی ظلم در جهان است. بعد از انقلاب اسلامی، با توجه امام خمینی (ره) به مسئله فلسطین، شعسرایی برای قدس رونق گرفت. در اشعار منقبتی نیز بخشی در توصیۀ کمک به آنها آمده است. شهریار غزل «یا علی» را در منقبت امام علی (ع) سروده است و در این غزل، حضرت را جلوۀ جمال و جلال الهی معرفی میکند و از امام می‌خواهد در زمانۀ او نیز حضور داشته باشد و بیاید در فلسطین و لبنان به داد مردم مظلوم برسد و در بیت‌های آخر، شهیدان را گل‌های قرن دوم اسلام معرفی میکند و از امام می‌خواهد یاریگر آنها باشد.

باز آن یهود، بسته در قلعه‌های قدس
مرحب کشیده تیغ به لبنان و ارض قدس
آن قتل عام زد به فلسطین که شد بلند
ظلمات شد میان تو و تشنگان حجاب
صوفی هم از صفای تو برخورد قرن‌ها
اینک به مهد حضرت معصومه، شهر قم
با نایب امام زد آن فجر نقره‌فام
صف بسته مسلمین پی جنگ و جهاد کفر
با این صف جهاد و به مفتاح دست غیب
بفرست نور دیده که گرد سپاه اوست
بگشا به دست و پنجه خیبرگشا علی
گو برق ذوالفقار زند مرحبا علی
فریاد وامحمد و غوغای واعلی
ای جام خضر و چشمه آب بقا علی
گاهی صفیعلی شد و گاهی صفا علی
برداشته منادی ایمان ندا، علی
خورشید گو به نقره فشاند طلا علی
بفرست ذوالفقار شرربار یا علی
خود بازکن در نجف و کربلا علی
در چشم مبتلای رمد توتیا، علی
(شهریار، ۱۳۸۸: ۴۰۷ - ۴۰۸)

سبزواری در شعر «ای عدالت موعود»، که در منقبت امام زمان (عج) سروده است، از ظهور آن حضرت و گستردگی عدالت در جهان تأکید دارد. او از حضرت می‌خواهد که ظهور کند و عدالت موعود را برای مستضعفان جهان بیاورد و ظلم را پایان دهد. همچنین از او می‌خواهد ناله‌های مردم بیپناه افغانستان، فلسطین، و لبنان را بشنود و به حمایت آنها بیاید و قبله‌گاه نخست مسلمانان (بیت‌المقدس) را از کافران بگیرد و به آنها پس بدهد؛ بیاید تا گره از کار

فلسطین بگشاید و پرچم دین را در زمین برافراشته کند و کفر را بزدايد و بتها را بشکند و راه حق و یقین را به مردم نشان دهد.

از ظلم، تیره چهر زمین است	بازآ که عدل گوشه‌نشین است
هر سو ستمگری به کمین است	پامال کفر، مزرع دین است
بنگر به اریتره و لبنان	بشنو فغان مردم افغان
بازآ به پاسداری قرآن	بازآ پی حمایت انسان
آن قبله‌گاه پاک نخستین	بستان ز کفر ملک فلسطین
بریند دست خصم بدآیین	بگشا گره ز کار فلسطین
بزدا ز زنگ کفر زمین را	بفرز باز پرچم دین را
بنمای راه حق و یقین را	بشکن بتان غث و سمین را

(سبزواری، ۱۳۶۸: ۵۵-۵۶)

در پایان شعر، امام را «حقیقت اسلام» معرفی میکند که اجراکننده مسائل و احکام آن است و تنها او ودیعه معبود و عدالت موعود است.

ای مجری مسائل و احکام	بازآی ای حقیقت اسلام
بازآر امن و راحت و آرام	مرهم گذار بر همه آلام
ای چهر تو طلوع مسعود	بازآی ای ودیعه معبود
ای مهدی ای عدالت موعود	ای جلوه ظهور تو مشهود

(همان: ۵۷)

توصیه به امیدواری برای گشایش امور

توصیه به امیدواری در گشایش امور، در مناقب امام زمان (عج) فراوان است. با توجه به مضمون این اشعار، که وصف ظهور امام زمان (عج) است؛ شاعران اغلب با توصیف ظهور امام، اظهار امیدواری کرده‌اند که با آمدن ایشان، مشکلات حل خواهد شد؛ بنابراین به مخاطب توصیه کرده‌اند که امیدوار باشند و منتظر بمانند. برای نمونه، علی معلم دامغانی، مثنوی «باور کنیم سکه به نام محمد (ص) است» را با محوریت منقبت امام زمان (عج) سروده است. البته مناسبت شعر، وفات «حجت‌الاسلام والمسلمین سیدطاهر شاهچراغی دامغانی» روحانی همشهریش است اما فقط در ابیات پایانی از او یاد کرده و ابتدای مثنوی درمورد امام زمان (عج) است و در انتها آن را به انقلاب اسلامی ارتباط داده و در ابتدای شعر خود چنین گفته است:

باور کنیم رجعت سرخ ستاره را	میعاد دستبرد شگفتی دوباره را
باور کنیم رویش سبز جوانه را	ابهام مردخیز غبار کرانه را
باور کنیم ملک خدا را که سرمد است	باور کنیم سکه به نام محمد (ص) است

(معلم دامغانی، ۱۳۸۷: ۵۷)

خود شاعر در توضیحات نوشته است: «مفهوم بیت، این است که بازگشتن حضرت مهدی (عج) را باور کنیم و رجعت سرخ به این جهت آمده است که قیام آن حضرت با شمشیر است و خونین خواهد بود» (همان: ۶۱). در

ادامه شعر، از آفرینش آدم تا ظهور حضرت محمد (ص) را توصیف کرده و با تکرار رجعت سرخ ستاره، آمدن امام زمان (عج) را نوید داده است.

راوی به شب، حجاب نکویی، حجاب قُبُح	راوی به صبح، صبح شکافنده، صبح صبح
راوی به فتح، فتح نمایان به آسمان	راوی به تین و زیت و به افسانه زمان
راوی بخوان به خواندن احمد در اعتلا	بر بام آسمان، شب معنی، شب «حرا»
شبها شبند و قدر، شب عاشقانه‌هاست	عالم فسانه، عشق فسانه فسانه‌هاست
راوی بخوان که رستم افسانه میرسد	جوهرفروش همت مردانه میرسد
راوی بخوان که افسر سیارگان مه است	راوی بخوان که مهدی موعود در ره است
باور کنیم رجعت سرخ ستاره را	میعاد دستبرد شگفتی دوباره را

(همان: ۵۹)

امین‌پور در شعر «صبح بی تو» امام زمان (عج) را وصف کرده و در پایان شعر، آمدن امام و رفتن تیرگیها را چنین توصیف کرده است:

ناگهان قفلِ بزرگ تیرگی را می‌گشاید
آنکه در دستش کلید شهر پرآینه دارد
(امین‌پور، ۱۳۹۰: ۴۰۹)

احمد عزیزی در مثنوی «ذره‌بین ظهور»، که در منقبت امام زمان (عج) سروده است؛ به مخاطب، نوید قرن‌ی تازه را می‌دهد که در آن، دوباره عشق، امنیت و فضایل انسانی به جامعه بازخواهد گشت و آن زمان، زمان ظهور حضرت مهدی (عج) است. می‌گوید که در قرن دیگر، اوضاع بهتر خواهد شد و کشور دیگری خواهیم داشت که هیچ وحشتی در آن نخواهد بود.

قرن دیگر ما بطرز دیگری	کشوری داریم و مرز دیگری
نیست روی پله‌های مافیا	اطلسیهای پر از جغرافیا
نهضت شبنم جهانی میشود	از پرستو پاسبانی میشود
... قرن دیگر قرن ذوالقرنین نیست	وحشت اسکندری در بین نیست
مایه‌کوبی میشود انسان به نور	قرصهایی هست برضد غرور
میدهد در چشم ما ترکیب ماه	یک اتم آینه یک عنصر نگاه

(عزیزی، ۱۳۸۷: ۱۲۷-۱۲۹)

در ابیات پایانی می‌گوید که در آن زمان، ایستگاه شرک تبدیل به مسجد میشود.

در درختان شوق پیوندست و بس	روی لبها برق لبخندست و بس
ایستگاه شرک مسجد میشود	دین انسان خط واحد میشود

(همان: ۱۲۹)

و مثنوی «دولت یار» را در ادامه همین مثنوی در منقبت امام زمان (عج) سروده است و در این شعر هم با ستایش امام زمان (عج) مخاطب را امیدواری می‌دهد؛ او که بیاید همه چیز را خوب خواهد کرد.

او جهان را غرق جیحون میکند	دشته را نخل و زیتون میکند
میدهد فرمان به مأموران خار	مالیات گل بگیرند از بهار

میزند دف تا که ما هوهو کنیم	میدهد تعلیم گل را بو کنیم
بردگان را نان و عرفان میدهد	مردگان را در عدم جان میدهد
عصر پر شب‌نمترین اندیشه‌هاست	عصر او عصر نبوغ ریشه‌هاست
عشق در دوران او صددرصد است	قرن او قرن سلام و معبد است

(همان: ۱۳۱-۱۳۲)

توصیه‌های عرفانی: مرگ ارادی و فنا

آمیختگی مفاهیم عرفانی با اشعار دینی در شعر بعد از انقلاب اسلامی در مثنویهای احمد عزیزی برجسته است. وی در اشعار منقبتی، توصیه‌های تعلیمی عرفانی کرده است. برای نمونه مثنوی «زبان زنجره» را در منقبت امیرالمومنین علی (ع) سروده است و در ابتدای مثنوی، اراداتش را به امام اظهار کرده و سپس با توصیفات از جایگاه انسان در جهان، درمورد مرگ و فطرت انسان آگاهی داده است و با نگرش عرفانی، توصیه به مرگ ارادی نموده است.

تیغ‌های نو بر تبرزین من است	آی مردم عشق آیین من است
این ندا را گل به گل آورده‌ام	من به دامان حرا گل کرده‌ام
بیستون‌هاتان پر از فرهاد باد	آی مردم باغتان آباد باد
و چه شیرین میتوان فرهاد شد	میتوان با تیشه‌ای آزاد شد
یوسف جانید و تن چاه شماست	آی مردم مرگ در راه شماست
طالع یوسف به گرگ افتاده است	ابتلای ما بزرگ افتاده است
رو به شب‌نم‌های بالاتر کنید	آی مردم نور را باور کنید
هر که در آئینه نورانی شود	حیرتی بندد سپس فانی شود
زیر باران ندا خیسش کنید	هرکه حیرت کرد تقدیش کنید
ورد احمد، رب زدنی حیرتی‌ست	هوش دار آئینه ما غیرتیست
جبرئیل آباد الهام شماست	این زمین سرگشته نام شماست
دست‌های زندگی آلوده نیست	آی مردم زیستن بیهوده نیست
تا بیاموزی زبان زنجره	رو به فطرت بازکن این پنجره
با روان آبها محشور شو	ای بشر از سایه خود دور شو
آب‌بازیهای فطرت را ببین	دانه‌ای از خوشه خلوت بچین

(عزیزی، ۱۳۸۷: ۴۴۷)

در ادامه گفته است هر کس به فطرت روی بیاورد، به خدا روی آورده است (با خدا آئینه‌بازی کرده است) و توصیه میکند خود را رها کنیم. سپس در منقبت امام علی (ع) گفته است که حضرت، ابتدا از خود گذشت و در خود فانی شد و بدین سبب راهبر گشت. در ادامه از حضرت کمک میخواهد با ذوالفقارش، نفس ما را هم بزند و ما را از خودمان برهاند.

با خدا آئینه‌بازی کردن است	رو به فطرت رو به حق آوردن است
جان خود را لایروبی کرده‌ای؟	هیچ آیا غرس خوبی کرده‌ای؟
سایه کردن از درخت سادگی	لذتی دارد زخودافتادگی

کیش خود را کن رها بنگر حیات جفت شش آورده حق در نرد عشق صورت آیینۀ کامل علی‌ست تیغ لا در چنگ الا الله تویی چون نگوید بر تو مرحب مرحبا کشته تیغ تولای تویم تیغ واکن مرحبستایم ما زان که اول کشته خود، خود شدی ای نخستین کشته حیدر تو خود زین سبب شد نام تیغت ذوالفقار ذوالفقاری از درون ما را بزن هیچکس از قعر تو آگاه نیست (همان: ۴۴۸)	ای ز شطرنج حقیقت گشته مات از علی و آل او جو درد عشق آب و رنگ باغ آب و گل علی‌ست هی درآ! حیدر که نور مه تویی تیغ مهتر سرزد از بند قبا مرحبا ما مرحب رای تویم راز گو طفل دبستانیم ما هادیان را زین سبب هدهد شدی ای همه دروازه و خیبر تو خود از درون و از برون آمد به کار یا علی از نفس دون ما را بزن خلق را یارای سرالله نیست
--	--

بعد از این ابیات واقعۀ غدیر و مباحث مربوط به آن را آورده و دشمنان حضرت را کوردلانی معرفی کرده است که حقیقت را ندیدند و در ابیات پایانی، عظمت حضرت علی (ع) را ستوده و بار دیگر از امام طلب کمک کرده است که کشته حیدر شدن را به ما عطا کند.

اف بر آن خامن که بر باطل شدند تو خدایان را به زیر آورده‌ای نیست ما را از تو تیغی تر شدن یا علی ما را عطا کن روز کار (همان: ۴۵۰)	از تو ای شمشیر لا غافل شدند عرش را با خود اسیر آورده‌ای افتخار کشته حیدر شدن کشته حیدر شدن با ذوالفقار
--	---

نتیجه‌گیری

شعر دینی در ادبیات فارسی با وجود مضامین متنوع، همچنان بعنوان بخشی از سبک فکری شاعران هر دوره‌ای دیده می‌شود. در هر دوره‌ای نیز همگام با تحولات جامعه، رویکردهای مختلفی به آن شده است. در این مقاله، مفاهیم انتقادی اخلاقی، که همسو با تحولات جامعه در شعر منقبتی دوره معاصر ایجاد شده است، بررسی گردید. این بررسی با تکیه بر شعر شاعران برجسته دوره مشروطه تا بعد از انقلاب اسلامی، که در کنار مضامین شعری خود، در بخشی نیز به منقبت ائمه پرداخته‌اند، انجام شد. نتایج نشان داد شاعران، شعر منقبتی را صرفاً در مدح، مرثیه و بزرگداشت ائمه نسروده‌اند بلکه از آن در جهت مفاهیم انتقادی تعلیمی استفاده کرده‌اند. مهمترین مؤلفه‌های انتقادی در این اشعار، انتقاد از اوضاع جامعه، استبداد و استعمار است که در بخشی، شاعران با ارتباط دادن وقایع زندگی ائمه با جامعه کنونی و یا الگوگیری از عملکرد و اندیشه آنها، توصیه به پایداری و مقاومت درمقابل استبداد داخلی و حضور بیگانگان در کشور کردند. در بخشی هم از اینکه جامعه درگیر خرافات است و ارزشهای دینی نادیده گرفته شده و مادی‌گرایی رواج یافته است، انتقاد کرده‌اند. مهمترین مؤلفه‌های تعلیمی اخلاقی، مددخواهی از ائمه معصومین در گشایش امور و امیدواری دادن به آینده روشن، مددخواهی از ائمه در حل مشکلات و حاجات فردی، حل مشکلات جامعه و مشکلات جهان است. این موضوع بعد از انقلاب اسلامی در اشعار انقلابی و دفاع

مقدس فراوانی یافته است. شاعران از ائمه می‌خواهند مشکلات جامعه ایران را حل نمایند و به تحقق عدالت در جهان، آزادی قدس و فلسطین و یاری مسلمین جهان مدد رسانند. بخشی دیگر از این اشعار را نیز اندیشه‌های عارفانه تشکیل می‌دهد.

تعارض منافع

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیتهای پژوهشی تمامی نویسندگان است، و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. این تحقیق طبق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش به عهده نویسنده مسئول است، و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را بر عهده میگیرند.

REFERENCES

- Alipour, Manouchehr. (۲۰۰۲). An Inquiry into the Poem of the Zohre roz dahom, *Poetry Magazine*, Vol. ۳۰, pp. ۲۲-۲۸.
- Aminpour, Qaisar. (۲۰۱۱). Complete collection of poems, Tehran: Morvarid.
- Azizi, Ahmad. (۲۰۰۸). Toghyan Taraneh, Tehran: Ketab Neistan.
- Bahar, Mohammad Taghi. (۲۰۰۸). Poetry Divan, Tehran: Negah.
- Dastgerdi, Vahid. (۱۹۲۹). Rahavard Vahid, ninth year supplement of *Armaghan Magazine*, Tehran: Ferdowsi Printing House.
- Farrokhi Yazdi, Mohammad. (۱۹۸۶). Poetry Divan, by Hossein Makki, Tehran: Sepehr.
- Hosseini, Seyed Hassan. (۲۰۰۷). Safar nameh bad, Tehran: Iranian Poets Association.
- Kaka'ei, Abdoljabar. (۲۰۰۱). A Comparative Study of Sustainability Issues in Iranian and World Poetry, Tehran: Palizan.
- Mo'alleem Damghani, Mohammad Ali. (۲۰۰۸). Red Star Return, Tehran: Surah Mehr.
- Mousavi Garmaroodi, Ali. (۲۰۱۰). The Green Voice, the poet's choice of his poems, Tehran: Qadyani.
- Mumtahan, Mehdi & Mohammadi, Gordafarin. (۲۰۱۲). A Study of the Manifestation and Presence of Religious Themes in Persian Literature before the Seventh Century, *Journal of Religious Literature*, Vol. ۲, pp. ۱۲۴-۱۰۵.
- Musharraf, Maryam. (۲۰۱۰). Essays in Iranian Educational Literature, Tehran: Elmi.
- Nourian, Seyed Mehdi & Kheradmampour, Massoud. (۲۰۱۴). Educational Themes in Ritual Poetry, *Journal of Educational Literature*, Vol. ۲۳, pp. ۱۷-۳۸.
- Sabzevari, Hamid. (۱۹۸۹). Sepideh Anthem, Tehran: Kayhan Institute.
- Saffarzadeh, Tahereh. (۲۰۱۲). Collection of Poems, Tehran: Negah.
- Shahriar, Seyed Mohammad Hossein. (۲۰۰۹). Shahriar Divan, ۲ vols., Tehran: Negah.
- Tavilaly, Fereydoun. (۱۹۹۷). Blue Flame (selected five offices), Tehran: Sokhan.

فهرست منابع فارسی

- امینپور، فیصر (۱۳۹۰) مجموعه کامل اشعار، تهران: مروارید.
- بهار، محمدتقی (۱۳۸۷) دیوان اشعار، تهران: نگاه.
- توللی، فریدون (۱۳۷۶) شعله کبود (منتخب پنج دفتر)، تهران: سخن.
- حسینی، سیدحسن (۱۳۸۶) سفرنامه گردباد، تهران: انجمن شاعران ایران.
- دستگردی، وحید (۱۳۰۷) رهاورد وحید، ضمیمه سال نهم مجله ارمان، تهران: چاپخانه فردوسی.
- سبزواری، حمید (۱۳۶۸)، سرود سپیده، تهران: مؤسسه کیهان.
- شهریار، سید محمدحسین (۱۳۸۸) دیوان شهریار، ۲ جلد، تهران: نگاه.
- صفارزاده، طاهره (۱۳۹۱) مجموعه اشعار، تهران: نگاه.
- عزیزی، احمد (۱۳۸۷) طغیان ترانه، تهران: کتاب نیستان.
- علیپور، منوچهر (۱۳۸۱) جستاری در منظومه ظاهر روز دهم، نشریه شعر، شماره ۳۰، صص ۳۲ - ۲۸.
- فرخی یزدی، محمد (۱۳۶۳) دیوان اشعار، به کوشش حسین مکی، تهران: سپهر.
- کاکایی، عبدالجبار (۱۳۸۰) بررسی تطبیقی موضوعات پایداری در شعر ایران و جهان، تهران: پالیزان.
- مشرف، مریم (۱۳۸۹) جستارهایی در ادبیات تعلیمی ایران، تهران: علمی.
- معلم دامغانی، محمدعلی (۱۳۸۷) رجعت سرخ ستاره، تهران: سوره مهر.
- ممتحن، مهدی و محمدی، گردآفرین (۱۳۹۱) بررسی تجلی و حضور مضامین دینی در ادبیات فارسی پیش از قرن هفتم، مجله ادبیات دینی، شماره ۲، صص ۱۲۴ - ۱۰۵.
- موسوی گرمارودی، علی (۱۳۸۹) صدای سبز، برگزیده شاعر از شعرهای خویش، تهران: قدیانی.
- نوریان، سیدمهدی و خردمندپور، مسعود (۱۳۹۳) مضامین تعلیمی در شعر آیینی، پژوهشنامه ادبیات تعلیمی، شماره ۲۳، صص ۱۷ - ۳۸.

معرفی نویسنده

عادل ملکی: دانش‌آموخته دکتری زبان و ادبیات فارسی و دبیر آموزش و پرورش شهرستان نقده.

(Email: adelmaleki9@gmail.com)

COPYRIGHTS

© ۲۰۲۱ The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY ۴.۰), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. no permission is required from the authors or the publishers.

Introduction of the author

Adel Maleki: PhD Graduate in Persian Language and Literature and Secretary of Education of Naghadeh city.

(Email: adelmaleki9@gmail.com)